

مقاله پژوهشی: غیر امنیتی کردن مسائل اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر تهران

احمد نوریان^۱، محمدجواد رضوانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴

چکیده

غیر امنیتی کردن یکی از سه انگاره اصلی مکتب کپنهاگ است که مکمل نگاه «توسعه‌ای و تعمیقی» این مکتب به امنیت می‌باشد. این انگاره به‌طور کلی با تأکید بر نقش «زبان»، به بررسی چگونگی ظهور، تکامل و حل و فصل مسائل و موضوعات امنیتی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که با نزدیک شدن به آموزه‌های نظریه سازه‌انگاری، امنیت را به عنوان پدیده‌ای متکی بر ذهن افراد و فعالیت زبانی آنان، تلقی می‌کند. کنش بیانی در مکتب پاریس نیز به گونه‌ای بر امنیتی کردن یا غیرامنیتی کردن مطرح است. با مرور این دو مکتب و مهم‌ترین آراء نظریه‌پردازان آن برای غیرامنیتی کردن مسائل اجتماعی به این پرسش پرداخته می‌شود که مدل فرآیند غیر امنیتی کردن مسائل اجتماعی امنیتی شده بر اساس نظریات مکتب کپنهاگ و پاریس در شهر تهران چیست؟ در همین راستا در این پژوهش ابتدا به بررسی مباحثی همچون امنیت، نظریه‌های امنیتی و تهدید پرداخته شده و سپس عوامل مؤثر و نقش‌آفرین در امنیتی شدن یک موضوع (پدیده) به روش توصیفی - تحلیلی با روش جمع‌آوری داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین روش تجزیه و تحلیل کیفی و مباحثه‌ای با تعداد ده نفر از نخبگان اطلاعاتی و امنیتی مورد واکاوی قرار گرفته است. برای نتیجه نیز جدولی بر اساس کنش بیان آستین و ترکیب آن با فرایند امنیتی‌سازی تشریح شده در مکتب کپنهاگ، پیشنهاد گردید که می‌تواند کارساز باشد.

کلیدواژه‌ها: امنیتی کردن، مکتب پاریس، مکتب کپنهاگ، امنیت اجتماعی، تهران

۱. دکتری مدیریت راهبردی؛ دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

۲. دکتری رشته تهدیدات امنیت ملی؛ دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول) Mj.

مقدمه

امنیتی کردن یکی از سه انگاره اصلی مکتب کپنهاگ است که مکمل نگاه «توسعه‌ای و تعمیقی» این مکتب به امنیت می‌باشد. این انگاره به‌طور کلی با تأکید بر نقش «زبان»، به بررسی چگونگی ظهور، تکامل و حل و فصل مسائل و موضوعات امنیتی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که با نزدیک شدن به آموزه‌های نظریه سازه‌انگاری، امنیت را به‌عنوان پدیده‌ای متکی بر ذهن افراد و فعالیت زبانی آنان، تلقی می‌کند. از این حیث که در مکتب کپنهاگ، «امنیت» با «فقدان تهدید» رابطه‌ای این‌همانی دارد، امنیتی کردن، معادل و در تناظر با تهدیدانگاری یک پدیده واقع می‌شود که خود، محصول درک بین‌ذهنی اعضای جامعه اعم از داخلی و بین‌المللی است. این مسئله از یک‌سو نشان از آن دارد که تهدیدها در بستر جامعه و با اتکا به اذهان شکل می‌گیرند و هویتی مستقل از جامعه ندارند و از سوی دیگر، تهدیدها لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند؛ بلکه ایجاد باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن پدیده، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌کند.

پرسش اصلی در مطالعات امنیتی، آن است که: «چه کسی، درباره چه موضوعاتی، تحت چه شرایطی و با چه تأثیرات و نتایجی، اعمال یا اظهار امنیت می‌کند؟» به عبارت دیگر: «چه کسی به بیان امنیت می‌پردازد؟» «با اتکا به چه تهدید، بیان امنیت صورت می‌پذیرد؟» «مستمسک بیان امنیت چیست یا چه کسی است؟» «چرا امنیت اظهار می‌شود؟» «تحت چه شرایطی امنیت اظهار می‌شود؟» و در نهایت، «چه نتایجی بر اظهار امنیت مترتب است؟» مطالعات امنیتی کردن، با هدف دستیابی به درک و فهم جامع از عوامل و متغیرهای دخیل در امنیتی کردن، دنبال می‌شود. دو نظرگاه مطرح در این زمینه: مکتب کپنهاگ: ریشه در تأملات ال ویورر دارد، مکتب پاریس: بر آراء تیری بالزاک متکی است. با مطالعه و بررسی این دیدگاه‌ها به دنبال نیل به بررسی فرآیند غیر امنیتی کردن مسائل اجتماعی امنیتی شده در شهر تهران هستیم.

سؤال پژوهش

غیر امنیتی کردن مسائل اجتماعی بر اساس نظریات مکتب کپنهاگ و پاریس در شهر تهران چگونه است؟

روش پژوهش

این مقاله با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است. ادبیات پژوهش و مبانی نظری آن با ابزار کتابخانه‌ای و مستند به فیش‌برداری گردآوری صورت گرفته است. نتایج حاصل جهت تأیید روایی به گروه نخبگان شامل چهار استاد دانشگاه با تخصص امنیت ملی و چهار مدیر با مسئولیت در حوزه امنیت اجتماعی و امنیت عمومی در شهر تهران عرضه و مورد قبول قرار گرفته است.

تعاریف

امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی یکی از عناصر اساسی حیات انسان‌هاست. شاید بتوان گفت دو رکن اصلی تأمین امنیت اجتماعی میان انسان‌ها، تأسیس دولت و وفاق اجتماعی است. دولت کارآمد و توانمند می‌تواند با بسیج منابع، اطمینان، آرامش و امنیت را میان انسان‌ها برقرار کند. بر این اساس امنیت اجتماعی جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات نسبت به شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۳).

درون مقوله «امنیت» بحثی قابل طرح است که به بعد داخلی امنیت برمی‌گردد؛ یعنی مسائلی که در حوزه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی، افراد جامعه با آن مواجه هستند. آن‌ها در چهارچوب بحث «امنیت اجتماعی» قابل بررسی هستند. گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. «امنیت فردی» آرامش و آسایش است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند؛ اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از «آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می‌کنند» (راینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۶). به‌طور کلی «امنیت اجتماعی» به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و به نظام سیاسی و دولت مربوط می‌شود. این قلمروها می‌توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد و... باشند.

همچنین در تعریف دیگر امنیت اجتماعی عبارت است از: حفظ ارزش‌های حیاتی جامعه مانند پاسداری از حق حیات شهروندان، صیانت از ارزش‌های ملی، تأمین رفاه و آسایش مردم و یا حداقل تأمین رضایت ساکنین یک جامعه در خصوص نیازها و مایحتاج اساسی (Buzan, 1997: 14).

تهدید اجتماعی در مقابل امنیت اجتماعی: تهدید اجتماعی به هویت و ارزش‌های مورد احترام مربوط می‌شود و طی آن یک هویت توسط هویت دیگر مورد حمله قرار می‌گیرد. این قبیل تهدیدات در محدوده داخل کشور اتفاق می‌افتد، اما اخیراً با گسترش فرایند جهانی‌شدن، تهدید اجتماعی معنای بین‌کشوری و فراملی را هم یافته است. موج فزاینده مهاجرت، مسافرت، تجارت و... نمونه این فرایند جهانی‌شدن است. تهدید اجتماعی کشورهای جهان سوم بیش از تهدید است خارجی و امنیت سیاسی است.

نظریه‌ی امنیتی کردن مبتنی بر قرائت مکتب کپنهاگ

امنیتی ساختن به مفهوم خروج مسائل از حوزه سیاسی و ورود آن‌ها به حوزه امنیتی توسط ویوور و بر اساس مفهوم اقدام گفتاری شکل گرفته و ویوور معتقد است که امنیت مفهومی مبتنی بر زبان می‌باشد و تنها پس از اظهار شدن به وجود می‌آید. نظریه امنیتی ساختن با طرح مفاهیمی همچون بازیگر امنیتی‌ساز، زمینه و مخاطب، مسائل مختلف مرتبط با این نظریه را در این چهارچوب مورد بررسی قرار می‌دهد. این نظریه بیشتر بر پایه معرفت‌شناسی سازه‌انگاری و رئالیستی قرار گرفته است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۰). رهیافت مکتب کپنهاگ در استفاده از روش‌شناسی «عمل به گفتار»^۱ برای این تعریف که چه وقت یک موضوع تبدیل به یک مسئله‌ی امنیتی می‌شود قدمی رو به جلو برداشته است. در این رهیافت، مسئله امنیتی می‌تواند نظامی یا غیرنظامی باشد، لیکن با توجه به میزان توجهی که به آن می‌شود و میزان اولییتی که در مسائل و مباحث سیاسی برای آن قائل می‌شوند قابل تشخیص و تفکیک هستند (هاگ، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

مکتب کپنهاگ که از آن به رهیافت فلسفی در امنیتی کردن تعبیر می‌شود، با تکیه بر مباحث زبان‌شناختی و پساساختارگرایی تکوین یافته است. نظریه «کنش گفتاری» و مفاهیم پساساختارگرایانه، کانون توجه این مکتب به شمار می‌رود. ویوور^۱، زیربنای امنیتی کردن مبتنی بر قرائت مکتب کپنهاگ را، اندیشه‌های جان لانگشاو آستین، ژاک دریدا و کارل اشمیت می‌داند (waever, 2000). از آن حیث که مکتب کپنهاگ، امنیت را در نبود تهدید تعریف می‌کند، ویوور نیز امور امنیتی را در تناظر با تهدید ارزیابی می‌نماید؛ به گونه‌ای که معتقد است هر موضوع، زمانی در دایره امنیت قرار می‌گیرد که به صورت «تهدید وجودی» جلوه‌گر شود (بوژان و ویوور، ۱۳۸۶) از این‌رو در طیف مورد نظر ویوور، هرچه از موضوعات غیراساسی به سمت موضوعات امنیتی بیشتر حرکت می‌کنیم، تهدید ایجادشده و فوریت اقدام برای دفع آن تهدید، بیشتر است. بنا به گفته ویوور، با استناد به تهدید وجودی، کنشگر قادر است قواعد عادی بازی سیاسی را بشکند (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۱-۳۰۳). این امر، عیناً تداعی‌کننده انگاره کارل اشمیت، مبنی بر انجام اقدامات فوق‌العاده و فراتر از کارهای روزمره و سیاست عادی توسط کنشگر است.

پدیده امنیتی خود را از طریق سیاست گفتاری از امنیت نشان می‌دهد؛ بنابراین، هیچ مسئله‌ای از اساس معضل امنیتی نیست؛ زیرا امنیت عاملی زبانی به شمار می‌رود. امنیت یا ناامنی هر وضعیت عینی، یعنی وضعیتی که قبل از گفتار وجود داشته باشد، نیست. امنیت نشانه‌ای نیست که به چیزی واقعی‌تر اشاره داشته باشد؛ بلکه بیان امنیت خود اقدام و عمل است. در این چهارچوب، می‌توان تأکید کرد که از دید مکتب کپنهاگ، ضرورت زبانی واقعی، همیشه برابر با وجود تهدید واقعی نیست؛ بنابراین آنچه برای امنیت مهم و سرنوشت‌ساز است، همان چیزی است که زبان می‌سازد (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۵۰۱).

۱. امنیتی کردن مبتنی بر قرائت مکتب کپنهاگ، ریشه در آراء و نظرات الی ویوور دارد. الی ویوور در حال حاضر استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه کپنهاگ دانمارک است که بحث امنیتی کردن را برای اولین بار، در سخنرانی خود در سال ۱۹۸۹ مطرح کرد.

بنا به باور ویوور، هرچند در امور امنیتی، به تهدید وجودی استناد می‌شود، اما لزوماً تهدیدی وجود ندارد، بلکه یک موضوع به صورت تهدید «جلوه‌گر» می‌شود. بدین ترتیب، یک موضوع، آن هنگام امنیتی شده است که در اذهان عمومی به صورت چنان تهدید وجودی برجسته‌ای «جلوه کند» که اثرات اساسی سیاسی در پی داشته باشد (Smith, 1996: 15). تجلی هر موضوع به مثابه تهدید در اذهان افراد جامعه، بسیار مهم‌تر از وجود پدیده عینی تهدیدآمیز، اما بدون تجلی اجتماعی آن است. اعتقاد به «تجلی تهدید» و «پذیرش عمومی»، دو رکن اصلی «منطق» امنیتی کردن را شکل می‌دهند؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک از این دو به صورت مجزا، تأثیرات مورد انتظار از امنیتی کردن را محقق نمی‌سازند. باید برای اقناع مخاطبان به منظور پذیرش هر موضوع به مثابه تهدیدی وجودی، استدلال ارائه شود. در حقیقت، قدرت استدلال، علاوه بر ایجاد قطعیت در وجودی بودن تهدید، پذیرش مخاطبان برای انجام اقدامات غیرعادی و فوق‌العاده جهت دفاع را، حتمی می‌کند. البته ویوور خاطر نشان می‌سازد که لزوماً پذیرش مخاطب در نتیجه اقدامات متمدانانه و عاری از برتری جویی نیست و هر پذیرشی به ناچار بر اجبار و رضایت استوار است.

کنش بیانی و کنش غیر بیانی: تولید هر کنش گفتاری نیازمند گوینده‌ای است که یک پاره‌گفتاره انشایی تولید کند؛ این عمل را «کنش بیانی» می‌نامند. کنش گفتاری مذکور تأثیری بر مخاطب می‌گذارد که آستین، این تأثیر را به «کنش غیر بیانی» تعبیر کرده است. علاوه بر این، دو گونه کنش، آستین به «کنش پس بیانی» یا کنش ناشی از سخن اشاره می‌کند که دربرگیرنده واکنش مخاطب، نسبت به کنش غیر بیانی است؛ درکنش پس بیانی، توجه عمده بر تأثیرات متعاقب یا نتایجی است که با برانگیختن احساسات، اعتقادات، تأملات یا اقدامات مخاطب هدف همراه می‌باشد. نظریه کنش گفتاری آستین را می‌توان به واکنشی سه‌اصلی تقسیم کرد: ۱- جملات خبری، گونه اصلی جملات زبان هستند. ۲- کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق جملات است. ۳- صدق یا کذب معنی پاره‌گفتاره‌ها. این سه اصل در زمان آستین، مبنای نگرش فیلسوفان حلقه وین به حساب می‌آمد که منطقیون اثبات‌گرا نامیده می‌شدند (Austin, 1962: 94).

فرآیند امنیتی ساختن در مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ، امنیتی ساختن را فرآیندی تابع قواعد از پیش تعیین شده می‌داند. بر این اساس ملاک شایستگی هر پدیده جهت امنیتی شدن، همسان بودن آن با یک تهدید وجودی و اضطرار، یعنی فوریت سطح بالا است. در واقع این‌ها قواعد و شاخص‌های ضروری برای امنیتی ساختن هر پدیده به شمار می‌روند.

مکتب کپنهاگ امنیتی شدن موفق را در سه عامل خلاصه می‌کند (Buzan et al. 1998: 29):

۱. انطباق پدیده‌ها با تهدید وجودی
۲. ضرورت اقدام اضطراری در خصوص برخورد با آن پدیده و به معنای دیگر، فوریت داشتن مواجهه با آن پدیده
۳. تأثیر بر روابط میان واحدها

از دید مکتب کپنهاگ این فرآیند و عدم قطعیت است که فرآیند امنیتی ساختن را تعریف می‌کند. بر این اساس، هر نوع مسئله‌ای قابلیت امنیتی شدن را دارد؛ به شرطی که بتواند آن را به نقطه‌ای برساند که در نقش تهدید وجودی پذیرفته گردد.

ویوور فرآیند امنیتی کردن را در پرتوی نظریه کنش گفتاری آستین توضیح می‌دهد. ویوور اذعان می‌دارد که کنش، خود، گفتار است؛ بدین معنا که با بر زبان راندن واژه‌ها کار انجام می‌گیرد. بر این اساس، کنشگر یا به تعبیر ویوور، بازیگر امنیتی‌کننده و مخاطب کنش گفتاری امنیتی، درگیر در فرآیند امنیتی شدن هستند، به نحوی که موفقیت یا شکست کنش گفتاری به ویژگی‌ها و شرایط آن دو بستگی دارد. ویوور با الهام از «شرایط کارایی» آستین برای موفقیت در کنش‌های گفتاری، از شرایطی نام می‌برد که کنش گفتاری را «نتیجه‌بخش» می‌سازد (Waever, 1995: 67). او این شرایط را، «شرایط تسهیل‌کننده» می‌نامد که ناظر به دو بعد درونی و بیرونی هستند. شرایط درونی مربوط به جنبه زبانی است و شرایط بیرونی متناظر با جنبه اجتماعی. مهم‌ترین شرط درونی هر کنش گفتاری، پیروی از قالب امنیتی یا دستور زبان امنیت است. پیروی از دستور زبان امنیت، متضمن درانداختن طرحی می‌باشد که دربردارنده عناصری چون تهدید وجودی، نقطه بی‌بازگشت و راه احتمالی برون‌شد، است.

ویژگی‌های بازیگر امنیتی ساز از نظر ویور (Taureck, 2006: 53-58)

اول: سرمایه اجتماعی بیان‌کننده یا بازیگری است که موضوع را امنیتی می‌سازد؛ ویور بر آن است که بازیگر امنیتی‌کننده باید در موضع اقتدار باشد تا به واسطه آن، پذیرش مخاطب تسهیل گردد. اعتقاد به این امر نیز یادآور بجا یا نابجا بودن پاره‌گفتاره‌های انشایی آستین است، چراکه اگر بازیگر امنیتی‌کننده در موضع مناسب بیان نباشد، سخن او نابجا تلقی می‌شود و در مخاطب، تأثیری نخواهد داشت.

دومین موضوع مورد نظر ویور که جنبه بیرونی کنش گفتاری را شکل می‌دهد، مربوط به شرایطی است که به لحاظ پیشینه با یک تهدید همراه هستند؛ بر این مبنا، بازیگر امنیتی‌کننده هنگامی می‌تواند مدعی وجود تهدید امنیتی باشد که اشیاء خاصی وجود داشته باشند و از طریق آن‌ها بتوان تهدید را مجسم ساخت؛ مانند تانک، احساسات دشمنی یا آب‌های آلوده. بررسی شرایط تسهیل‌کننده کنش گفتاری امنیت، ما را بدین ارزیابی رهنمون می‌کند که ویور به سبب باور به حضور توأمان زبان و جامعه در موفقیت کنش رفتاری امنیتی، به آرا و نظرات پدران فکری مکتب پاریس، همچون پیر بوردیو نزدیک شده است. این مسئله را می‌توان به‌عنوان نقطه اشتراک دو مکتب پاریس و کپنهاگ در قبال امنیتی کردن، دانست.

در نگاه بخشی ویور به امنیت، هر یک از بخش‌ها از مرجع امنیتی منحصربه‌فردی برخوردار است. برای مثال، در بخش سیاسی، حاکمیت و در بخش اجتماعی، هویت، مرجع امنیت هستند. وی مفاهیم انتزاعی همچون اصل موازنه قوا، جامعه بین‌المللی، عدم گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای و میکروبی و حقوق بین‌الملل را نیز به‌عنوان مرجع امنیت برمی‌شمارد.

اتکای ویور بر مرجعیت حاکمیت در بخش سیاسی، چنان‌که اشاره شد، برگرفته از آراء اشمیت است؛ بر این اساس، کشورها با استناد به در معرض خطر بودن حاکمیت خود، به اقدامات فوری و ضروری دست می‌زنند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۹).

عمل امنیتی دولت

امنیت ملی در مکتب کپنهاگ به عمل امنیتی دولت (بر مبنای نگاه عملیاتی به امنیت) اطلاق می‌شود. تشریح عمل امنیتی دولت بیانگر جهت‌گیری پاسخ و واکنش به مسئله امنیتی است که دو ویژگی دارد:

- ۱- ناشی از تهدید وجودی است یعنی تهدیدی که موجودیت و بقا را در معرض خطر قرار می‌دهد یا تهدید اساسی ارکانی وجودی دولت - ملت است مانند:
 - آنچه تمامیت سرزمینی را تهدید می‌کند.
 - آنچه تمامیت استقلال را تهدید می‌کند.
 - آنچه حاکمیت، مشروعیت، هویت (ایده سازمان‌دهنده)، مردم و سپهر زیستی را تهدید می‌کند.

۲- نیاز به تدابیر و تمهیدات اضطراری داشته باشد و به ورود مقتدرانه دولت بیانجامد، مانند: کاربرد زور، بسیج منابع و زیر پا گذاشتن قواعد متعارف از نظر بوزان، امنیتی ساختن نسخه نهایی سیاسی ساختن است. بر این اساس، هر موضوع می‌تواند بر روی طیفی سه‌درجه‌ای تعریف شود:

- ۱- امور غیرسیاسی: اموری که دولت به آن‌ها کاری ندارد و از هیچ راه دیگری موضوع بحث و تصمیم‌گیری همگانی قرار نمی‌گیرد.
- ۲- امور سیاسی: اموری که معمولاً بخشی از سیاست‌گذاری همگانی است و مستلزم تصمیم‌گیری و تخصیص منابع از سوی دولت و یا به شکلی نادرتر نیازمند گونه‌ای دیگر از نظارت و تدبیر جمعی است.

۳- امور امنیتی: مسائلی که با بقا و موجودیت یک مجموعه مانند کشور سروکار پیدا می‌کند یا این‌گونه جلوه داده می‌شود. این قبیل موارد، مستلزم تمهیدات اضطراری و اتخاذ تدابیری ورای رویه‌های متداول می‌باشد.

سه وضعیت فوق را می‌توان روی طیف زیر نشان داد: حساسیت دولت، اوج حساسیت دولت، ویژه، موردی، عادی. دو مفهوم امنیتی دیدن و امنیتی ندیدن، از مفاهیم کلیدی

اندیشه بوزان در مباحث و مطالعات امنیتی هستند. این مفهوم، به جای آنکه دامنه نگاه امنیتی را محدود کند، سبب گسترش امنیتی دیدن شده است. در مجموع می‌توان چند نتیجه از بحث امنیتی ساختن گرفت:

- ۱- امنیتی ساختن یک گزینه سیاسی است.
- ۲- قابل کشف نمی‌باشد، بلکه ساخته می‌شود.
- ۳- امنیتی ساختن حاکی از نوعی ضرورت یا انتخاب جهت‌دار حل مسئله است.
- ۴- امنیتی ساختن با مفهوم ایجابی متفاوت است.

فرآیند امنیتی ساختن در مکتب پاریس

مکتب پاریس ملهم از مباحث جامعه‌شناسانه و پست‌مدرن می‌باشد و در مقایسه با مکتب کپنهاگ که بر وجه گفتمانی امنیت تمرکز می‌کند، توجه بیشتر خود را به وجه پراکسیسی امنیت، معطوف می‌نماید (Waever, 2004: 13). این نظریه، ریشه در آراء تیری بالزاک^۱ دارد که سعی می‌کند با برطرف کردن نقاط ضعف مکتب کپنهاگ، به مفهوم امنیت به مثابه کنش عملی (پراگماتیک) دست یابد. بالزاک، نظریه امنیتی کردن موجود در مکتب پاریس را رهیافت عمل‌گرا می‌خواند (Balzacq, 2011: 22) که به اندیشه‌های جامعه‌شناسانه میشل فوکو و آراء پیر بوردیو در خصوص کاربرد نمادین زبان وابسته است. وی با استفاده از برخی عناصر موجود در اندیشه‌های میشل فوکو و پیر بوردیو، مفروضه‌های ذیل را مطرح کرده است:

- ۱- **مخاطب محوری:** گام نخست در امنیتی شدن موضوع، حضور مخاطب است که با ادعاهای مطرح‌شده از سوی بازیگر امنیتی‌کننده، موافقت کند. اهمیت این امر در نظر بالزاک تا حدی است که وی مخاطب را «مخاطب توانمندکننده» می‌نامد که: اول اینکه، رابطه عملی مستقیم با موضوع و مسئله داشته باشد. دوم اینکه قادر به توانمندسازی بازیگر امنیتی‌کننده به منظور اتخاذ تدابیری در جهت چیره شدن بر تهدید باشد (Balzacq, 2011).

1. Thierry Balzacq

۲- **امنیتی کردن:** وابستگی متقابل^۱ کارگزار بافت است. بالزاک معتقد است تأسیس امنیت از یک سو وابسته به کاربرد زبان و از سوی دیگر مشروط به بافت است؛ بدین صورت قرار گرفتن وجه انشایی امنیت مابین «قاعده معنایی» و شرایط بافت شکل می‌گیرد. او ضمن اشاره به دو تهدید «نهادی» و «جسمانی» متذکر می‌شود که سخن گفتن صرف پیرامون تهدید، لزوماً جوهر و ذات آن تهدید را تعیین نمی‌کند، بلکه در برخی از موارد به منظور شکل‌دهی به تهدید، نیازمند توجه به بعد خارجی و جسمانی تهدیدها هستیم (Balzacq, 2009: 9-11).

۳- **ابتنای کردارها بر واقع‌گریزی** را معادل دستگاه قدرت و نهاد سیاست‌گذاری می‌داند که کردارها را نشان می‌دهد. در نگاه بالزاک، دستگاه قدرت از طریق روزمره کردن^۲ کردارها و ایجاد عادت‌واره‌ها^۳ در ظهور و پیدایش حوزه‌های موضوعی مختلف، نقش ایفا می‌کند. کردارهای امنیتی را می‌توان مبین رفتارهای عادی شده‌ای دانست که دستگاه قدرت یا بازیگران امنیتی‌کننده، بدان متوسل شده تا پذیرش مخاطبان را موجب شود. بالزاک معتقد است فرآیند روزمره کردن کردارهای امنیتی با اتکا به ابزارهای دوگانه با ابزارهای تنظیمی^۴ و ابزارهای ظرفیتی^۵ امکان‌پذیر است (دهقانی فیروزآبادی و قریشی، ۱۳۹۱: ۲۸).

۴- **ابزارهای تنظیمی:** به واسطه عادی‌سازی^۶ یا غیرعادی‌سازی، کردارها و رفتارهایی را تجویز یا منع می‌کند و از این طریق، بر رفتار کنش اجتماعی تأثیر می‌گذارد. بالزاک قانون اساسی و قوانین مطرح در حوزه سیاست‌گذاری کشورها را در زمره ابزارهای تنظیمی قرار می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی و قریشی، ۱۳۹۱: ۲۹).

-
1. Co Dependency
 2. Routinization
 3. Habitus
 4. Regulatory
 5. Capacity
 6. Normalize

۵- ابزارهای ظرفیتی: در حکم مهارت‌هایی هستند که اشخاص و گروه‌ها را قادر می‌سازند تا تصمیم‌گیری کنند و فعالیت‌هایشان را در چهارچوب مشخصی انجام دهند. ابزارهای ظرفیتی شامل داده‌های اطلاعات و سایر منابعی هستند که دستیابی به اهداف سیاست‌گذاری را میسر می‌کنند.

فرآیند پیش‌گیری از امنیتی شدن پدیده‌های غیر امنیتی

امنیتی ساختن، به معنای خروج پدیده و یا موضوعات از وضعیت عادی به وضعیت فوق‌العاده می‌باشد. به بیان دیگر، امنیتی ساختن، به معنای خارج کردن پدیده‌ها از حوزه سیاست‌های عادی یا سیاست‌های عمومی و وارد کردن آن‌ها به حوزه امنیتی می‌باشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۳۰۴). نتیجه اینکه: امنیتی ساختن هر پدیده یا موضوع عادی، شاخصه‌ای برای ارزیابی میزان ناامنی در هر سیستم می‌باشد و از حالت امنیتی درآوردن موضوعات و پدیده‌ها می‌تواند امنیت‌ساز باشد.

هرچند دولت در تأمین امنیت اجتماعی در جامعه موظف بوده و نقش اساسی و قانونی دارد، اما به این نکته مهم باید توجه نمود که نقش مذکور را نباید یک نقش کاملاً مثبت ارزیابی نمود، چراکه هر چقدر نقش دولت در تأمین امنیت اجتماعی در جامعه پررنگ‌تر شود، نشان‌دهنده پایین‌تر بودن شاخص‌های پیونددهنده اصول مربوط به امنیت اجتماعی است، یعنی ارزش‌ها و هنجارهای درون جامعه کمتر به یکدیگر احساس تعلق می‌نمایند یا در حقیقت عوامل متعددی این علقه را از بین برده است، پس دولت سعی می‌نماید تا با ایفای نقش بیشتر در حفظ این توازن بکوشد و خلاً ایجادشده در این زمینه را پر نماید، درحالی‌که ما باید به دنبال عوامل تحکیم‌کننده این بنیان‌ها، ارزش‌ها و هنجارها باشیم و نقش دولت در تأمین امنیت اجتماعی را تا حد ممکن با استفاده از این شیوه‌ها کاهش دهیم، چراکه نقش دولت در این میان یک نقش خشک و شکننده است.

برای غیر امنیتی شدن نخست باید توجه داشت که مسئله امنیتی چگونه به وجود می‌آید؟ ابتدا به ساکن، مسئله امنیتی وجود ندارد و ساخته می‌شود و عملکرد و کردار

دولت هاست که یک مسئله را امنیتی می‌کند. مسائل امنیتی تحت تأثیر تفکر امنیتی و واکنش هیئت حاکم و سیاست‌گذاران است. به زبان دیگر تصمیم‌گیرندگان توضیح می‌دهند یک‌سری مسائل امنیتی باشد و یک‌سری خیر. در اینجا است که بحث امنیتی‌سازی مطرح می‌شود. مسئله امنیت در طی یک فرآیند تبدیل به مسئله امنیتی (یعنی فضا را امنیتی کردن) می‌شود. لذا می‌توان با بالا بردن اهمیت موضوع، یک مسئله را امنیتی کرد (مانند افزایش بودجه دفاعی، مسئله جزایر سه‌گانه، بهانه وجود مواد شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای در عراق، یک مسئله و مستمسک قومی یا مذهبی، موضوع انرژی هسته‌ای و برجام، اسیدپاشی، کشتن نویسندگان ناشناخته مانند پوینده، قتل فروهر و همسرش در مقطع زمانی خاص). هر حکومت و بازیگری نمی‌تواند مسائل را امنیتی کند. باید بتواند جا بیاندازد و افکار عمومی را با تبلیغات هم‌سو کند. برای این کار به اجزاء امنیتی کردن نیاز دارد که شامل عناصر اصلی، بازیگر و روش‌های امنیتی‌سازی است.

عناصر اصلی امنیتی‌سازی عبارت‌اند از:

- ۱- قالب ذهنی (تفکر)
- ۲- خود پدیده که باید دارای مشخصاتی باشد که تهدید وجودی را برساند (قابلیت توضیح امنیتی را داشته باشد)
- ۳- بُعد متقاعدسازی و جا انداختن بازیگر امنیتی‌ساز:

۱- می‌تواند دولت و حاکمیت باشد (مرجعی که فرآیند امنیتی‌سازی را سامان می‌دهد و پدیده را به سمت سبب امنیتی سوق می‌دهد).

۲- می‌تواند شخصیت (در جایگاه گروه مرجع) باشد؛ مانند نقش آیت‌الله میرزای شیرازی در جریان تحریم تنباکو به‌عنوان نمایش قدرت مرجعیت و یا نقش مقام معظم رهبری در خنثی کردن فتنه‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ در تهران.

۳- می‌تواند گروه‌های اجتماعی، اقوام و قومیت‌ها و در جایی مردم باشد.

روش‌های غیر امنیتی سازی

- ۱- مدل حقوقی: کسانی که حق و تو دارند، به آسانی یک پدیده را امنیتی سازی می‌کنند؛ مثل اینکه اعلام نمایند فلان اقدام ضد امنیت و حقوق بشر است. شورای امنیت کشور و شورای عالی امنیت ملی دو ساختاری هستند که برای این مسئله تدارک دیده شده‌اند. از این ظرفیت بایستی استفاده نمود و با اعتماد به دستگاه‌های اجرایی زیرمجموعه اقدامات دارای تبعات کمتر را غیر امنیتی معرفی نمود.
 - ۲- یک دولت باید مرجعیت عملی داشته باشد برای اینکه بتواند مسئله‌ای را غیر امنیتی سازی کند (بتواند متقاعد کند) و موقعیت را عملاً به دست آورده باشد؛ مانند اعتراضات کارگری و یا صنفی که از حالت امنیتی خارج و به یک موضوع اجتماعی و غیر امنیتی تبدیل شد.
 - ۳- برخی از ذی‌نفعان یک مسئله را غیر امنیتی اعلام می‌نمایند، مثل خارج نمودن بخش‌هایی از اراضی و املاک و یا بندرهایی که در تصرف نهادهای امنیتی بوده و به تدریج به بخش‌های مدنی واگذار گردیده و از شرایط امنیتی خارج شدند. صدور فرمان مقام معظم رهبری در رفع تصرف جنگل‌های منطقه اتوبان شهید بابایی و تعلق یافتن آن به مردم و شهرداری مثالی در این زمینه است.
- در مجموع، اگر کشوری بتواند عمل غیر امنیتی سازی را به راحتی انجام دهد و بتواند اجماع ترتیب دهد و تبعات منفی آن را نیز مدیریت و کنترل نماید، ظرفیت سیاسی بالایی دارد. ظرفیت سازی نیز یکی از ارکان قدرت است.

فرایند غیر امنیتی سازی در شهر تهران

ضرورت پرداختن به موضوع «امنیت شهری» از آنجایی مهم می‌نماید که وابستگی متقابل میان امنیت و توسعه اجتناب‌ناپذیر است. امنیت زمینه‌ساز و بستر توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است و هم از این عناصر تأثیر می‌پذیرد. رویکردهای سنتی در باب امنیت شهری به‌طور عمده به‌طور یک‌سویه‌ای به جرائم و بزهکاری‌های شهری و یا

معلول‌ها معطوف بوده؛ درحالی‌که امنیت مقوله‌ای چندوجهی است و همان‌گونه که ذکر شد در یک فرایند تدریجی، موضوعات امنیتی شده یا از امنیتی شدن خارج می‌شوند. امروزه کلان‌شهر تهران با در بر گرفتن یک‌چهارم جمعیت شهرنشین کشور، مهم‌ترین قطب جمعیتی کشور است. تهران با توجه به نظام متمرکز سیاسی - اداری، مقرر کلیه نهادهای تصمیم‌گیرنده و مدیران عالی‌رتبه بوده و نقش اصلی را در مدیریت اقتصاد ملی ایفاء می‌کند. لذا بروز ناپایداری‌های امنیتی در تهران می‌تواند امنیت ملی را در عرصه‌های گوناگون به مخاطره اندازد.

روند تحولات تهران در چند دهه اخیر به گونه‌ای بوده که زمینه‌های ناپایداری را در برخی از حوزه‌های سیاسی اجتماعی و گاهی امنیتی فراهم آورده است. عمده‌ترین این تحولات را می‌توان در چهار گروه افزایش جمعیت، گسترش فضای کالبدی، تحولات ساختاری و افزایش تمرکز، طبقه‌بندی نمود. این تحولات منجر به تراکم و انبوهی جمعیت، افزایش مهاجرت به تهران و نواحی پیرامون، اسکان غیررسمی گروه‌های کم‌درآمد در منطقه شهری، تبدیل حاشیه‌نشینان پیرامونی به شهرهای اقماری، شکل‌گیری منظومه شهری و بالاخره قطب‌بندی و شکاف اقتصادی (فقیر و غنی) شده است که از منظر آسیب‌شناسی امنیتی زمینه‌ساز انحرافات اجتماعی و گسترش کانون‌های بحران و شدت بخشیدن به روابط عناصر دخیل در ناپایداری می‌باشد.

در اینجا نقش مجموعه‌های مسئول و ذی‌دخل در امنیت تهران (بازیگران امنیتی‌ساز) بسیار مهم و تعیین‌کننده است و می‌بایستی با تفکیک و تقسیم کار مشخص، وضعیت‌های متصور را از سطح انتظامی تا امنیتی هوشمندانه مدیریت نمایند.

برابر آنچه گفته شد برای واکنش امنیتی باید ابتدا آن را به‌صورت مسئله برداشت و دریافت نمود و درنهایت برای شناخت صحیح مسئله امنیتی به دو عامل اصلی می‌توان رسید. مسئله امنیتی عبارت است از: رخدادها و تحولاتی که حاکمیت یا استقلال یک کشور و دولت را به شیوه‌ای بنیادی و سرّی مورد تهدید قرار می‌دهند و آن را از قابلیت و توانایی لازم جهت اداره و مدیریت مستقل خویش محروم می‌کنند. این مسئله نظم سیاسی

را برهم می‌ریزد و با چنین تهدیدی باید با حداکثر تلاش مقابله کرد. در نامیدن یک رخداد یا تحول خاص به‌عنوان مسئله امنیتی، دولت می‌تواند ادعای حق ویژه‌ای بکند؛ یعنی در وهله نهایی معمولاً این دولت و نخبگانش هستند که موضوعی را به‌عنوان یک مسئله امنیتی تعریف و اعلام می‌کنند یا نمی‌کنند. مسئله امنیتی در واقع همان تهدیدات عینی است (ره‌پیک، ۱۳۸۷: ۶۲).

ادراک مسئله امنیتی در کشور ما با تشخیص و اعلام از ناحیه مقام معظم رهبری (اصل ۱۱۰ قانون اساسی)، یا بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی توسط ریاست شورای عالی امنیت ملی یا دیگر دستگاه‌های عضو به‌عنوان یک پدیده تهدیدآمیز صورت می‌گیرد. امنیتی شدن موضوع در ج.ا.ایران از منظر قانون اساسی کشور عبارت‌اند از:

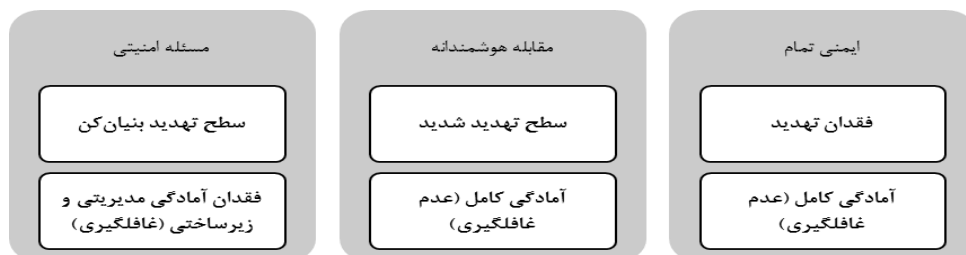
جدول ۱: موضوعات قابل امنیتی شدن در قانون اساسی ج.ا.ا.

امنیتی شدن موضوع در ج.ا.ایران از منظر قانون اساسی کشور		
حوزه‌ها	اصل قانون اساسی	موارد قانونی مندرج در اصل مربوطه
حقوقی و قضایی	نوزدهم	مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان سبب امتیاز نخواهد بود.
	بیستم	حقوق زن و مرد برابر و مساوی است.
	بیست و یکم	برای حفظ کبان و بقای خانواده باید دادگاه ایجاد شود.
	بیست و دوم	جان، مال، حقوق، حیثیت، مسکن و شغل اشخاص می‌باید مصون از تعرض باشد.
	بیست و سوم	تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض مؤاخذه قرار داد (آزادی عقاید)
	سی و سوم	هر کس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید.
اقتصادی	سی و هفتم	اصل بر براءت است و هیچ‌کسی از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر آن‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.
	سوم	دولت باید اقتصاد صحیح و عادلانه‌ای را بر طبق ضوابط اسلامی جهت رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه پی‌ریزی کند.
	سوم	دولت باید تبعیضات ناروا را رفع کند و امکانات عادلانه برای همه ایجاد نماید.

امنیتی شدن موضوع در ج.ا.ایران از منظر قانون اساسی کشور			
حوزه‌ها	اصل قانون اساسی	موارد قانونی مندرج در اصل مربوطه	
	بیست و نهم	دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات تأمین اجتماعی برای بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی و بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره را تدارک ببیند.	
	چهل و سوم	ساعات کار و محتوای آن باید طوری باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.	
	چهل و سوم	اقتصاد بیگانه بر اقتصاد کشور نباید سلطه داشته باشد.	
	چهل و سوم	کشور باید خودکفا باشد.	
	چهل و هفتم	اموال شخصی مردم محترم است.	
	چهل و ششم	باید در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی در میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور تبعیض صورت نگیرد.	
	سوم	دولت باید محیط مساعدی را برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی ایجاد کند.	
	سوم	دولت باید سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها را با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر بالا ببرد.	
	سوم	دولت باید به تقویت روح، بررسی و تنب و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان بپردازد.	
	دهم	همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌ها باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری و قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.	
فرهنگی و اجتماعی	دهم	باید زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن ایجاد شود.	
	بیست و پنجم	تجسس ممنوع است.	
	سوم	استعمار و نفوذ خارجی باید طرد شود.	
	سوم	هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی باید محو گردد.	
	سوم	-آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باید تأمین شود.	
	سوم	عامه مردم باید در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند.	
	سیاسی و اداری	سوم	استعمار و نفوذ خارجی باید طرد شود.
		سوم	هرگونه استبداد، خودکامگی و انحصارطلبی باید محو گردد.
سوم		-آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باید تأمین شود.	
سوم		عامه مردم باید در تعیین سرنوشت سیاسی خویش مشارکت داشته باشند.	

امنیتی شدن موضوع در ج.ا.ایران از منظر قانون اساسی کشور		
حوزه‌ها	اصل قانون اساسی	موارد قانونی مندرج در اصل مربوطه
	ششم	در نظام جمهوری اسلامی امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود و از راه انتخابات کشور اداره شود.
	نهم	در نظام جمهوری اسلامی آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی باید حفظ شود.
	سیزدهم	اقلیت‌های دینی می‌توانند مراسمات دینی خود را انجام دهند.
دفاعی	سوم	دولت باید نظام اداری صحیح ایجاد کند.
	سوم	دولت باید بنیه دفاع ملی را از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور تقویت کند.
	سوم	دولت باید خودکفایی را در امور نظامی تأمین کند.

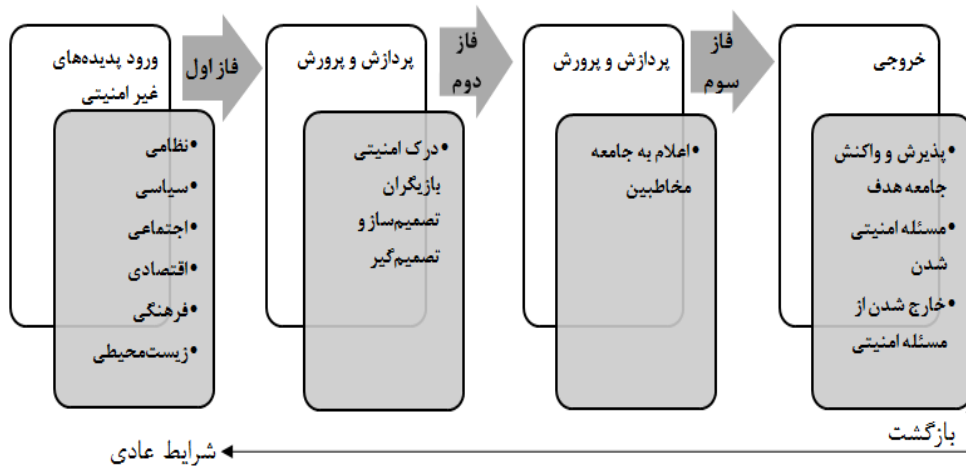
تشخیص امنیتی شدن متناسب با وضعیت‌ها صورت می‌گیرد. تقسیم‌بندی اجمالی وضعیت‌های امنیتی عبارت است از:



شکل ۱: وضعیت‌های امنیتی

در حالت اول باید با مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری به تثبیت و پایداری امنیت پرداخت، در حالت دوم باید واکنش متناسب را تشخیص داد و در حالت سوم که مسئله امنیتی است، باید واکنش ویژه یا امنیتی نشان داد. اگر پدیده‌های عمومی به نادرستی امنیتی شوند دارای تبعات خواهد بود. مسئله امنیتی شده یعنی اینکه به علت ماهیت پدیده می‌بایست توجه ویژه‌ای برای مقابله با آن صورت پذیرد؛ زیرا بنیان‌کن است و ما سازوکار دفاعی برای مقابله با آن را نداریم و این یعنی تخصیص ساختار و بودجه و قوانین خاص که از دیگر جاها بریده می‌شوند و باید برای این مسئله اختصاص یابد.

شرایط تبدیل پدیده‌ها از ایمنی تمام به مسئله امنیتی یک فرایند است. مدل بومی شده باری بوزان و ویوور در مکتب کپنهاگ در مورد امنیتی شدن غلط پدیده‌های غیر امنیتی (فاقد پتانسیل و اهمیت و ضرورت) را در سه فاز می‌توان شرح داد:



شکل ۲: فرایند تبدیل پدیده‌های غیر امنیتی به امنیتی

درواقع مسئله، وقتی امنیتی می‌شود که هر سه فاز را طی کرده و به خروجی یعنی پذیرش و واکنش جامعه هدف برسد. اولین اتفاقی که در امنیتی شدن می‌افتد، درک امنیتی است؛ یعنی سنسورهای امنیتی حساس شود و ذهن معطوف به مسئله امنیتی گردد.

- عوامل مؤثر در شکل‌گیری فاز اول، یعنی عوامل مؤثر بر درک بازیگران عبارت‌اند از: احتمال وقوع و فراوانی، عمق و برجستگی، فراوانی خطوط قرمز ارزشی، فقدان شایستگی مدیریتی و تخصصی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، نظام‌های آموزشی و تربیتی بازیگران، پیچیدگی پدیده و تازگی پدیده
- عوامل و شاخص‌های مهم فاز دوم؛ یعنی اعلام به مخاطبین عبارت‌اند از: اهمیت پیام، مقام گوینده، آشفتگی و هرج و مرج در اعلانات و فقدان سناریو، فراخوان عمومی از رسانه‌های رسمی یا فراگیر، ویژگی‌های مخاطبین، نوع رسانه

- عوامل و شاخص‌های مهم فاز سوم؛ یعنی عوامل مؤثر بر پذیرش مخاطبین عبارت‌اند از: عمومیت دادن و هم‌ذات‌پنداری، بزرگنمایی آماری، همگن بودن جنس پیام با شرایط محیطی، اعتماد به شخصیت منبع و کاریزمای گوینده، هدفمندی پیام و بهره‌گیری از اصول عملیات روانی، عاطفی بودن متن پیام و ساده و قابل فهم بودن پیام برای آحاد اجتماع. بایستی توجه داشت که امر امنیتی همواره و به صورت دائمی امنیتی نیست؛ یعنی هر موضوع عادی ممکن است بلافاصله به مقوله‌ای امنیتی تبدیل شود. امر امنیتی حتماً به مصالح و امور همگانی مربوط است یا اینکه جلوه داده می‌شود. سیاست امنیتی ساختن هنگامی موفق است که بتواند تهدید علیه بقا یا موجودیت را به همگان بیاوراند و هنگامی ناکام است که حکومت نتواند جامعه را نسبت به وجود تهدید خطرناک قانع سازد. امنیتی دیدن یا امنیتی‌سازی هر موضوع، مستلزم ساختار سخنوارانه خاص (پیام کارگزار امنیت) نیز هست. در اینجا ضروری نیست هر واژه‌ای لزوماً بر خطری واقعی دلالت کند، بلکه گفتار فی‌نفسه عمل است. به محض اینکه تهدید وجودی معرفی یا تلقین شد و مخاطبان پرتعدادی این گزارش یا تلقین را پذیرفتند، آنگاه سیاست امنیتی کردن موفق شده است. سیاست امنیتی دیدن لزوماً اظهاری و اعلانی نیست. در بعضی مواقع ممکن است دستگاه‌های تبلیغی در مورد فوریت و شدت یک خطر سخنان بسیج‌کننده (برای نیروهای هوادار) و هراس‌انگیز (علیه بازیگران خارجی) موضعی اتخاذ کنند.

مراحل جلوگیری از امنیتی ساختن پدیده‌ها

۱. تشخیص دقیق و صحیح پدیده‌هایی که مستلزم امنیتی شدن هستند و همچنین امنیتی ساختن موفق آن‌ها.
۲. جلوگیری از گسترش ناامنی و مدیریت آن.
۳. تلاش برای مدیریت آن تا رسیدن مطلوب (حذف، خنثی‌سازی، کنترل، تغییر و استحاله).
۴. تلاش برای بی‌اثر کردن پدیده ناامنی‌ساز و در نتیجه افزایش ضریب امنیتی.

بر اساس این مراحل و مبتنی بر کنش بیانی آستین دستگاه‌های امنیتی‌ساز می‌توانند از جدول فرایند ذیل برای تمیز دادن مسئله امنیتی از غیر امنیتی و تبدیل تدریجی موضوعات امنیتی به موضوعات غیر امنیتی استفاده نمایند:

مرحله اول: رصد یا دیدبانی

جدول ۲: مراحل ثبت کنش بیانی

بازتاب‌ها و برداشته‌ها	مخاطب		پاره‌گفتاره‌ها				آیا پاره‌گفتاره در امنیت اجتماعی تهران یا کشور تأثیر دارد؟		پاره‌گفتاره	پایه
							بله	خیر		
	عمومی	تخصصی	کارکردی		انشایی		منفی	مثبت		
		غیر خودی	خودی	نايجا	بجا	نايجا	بجا			

مرحله دوم: میزان تأثیرگذاری

جدول ۳: مراحل ثبت کنش امنیتی

تحریک‌پذیری			نوع اقدامات متصور		میزان تأثیرگذاری		
افکار عمومی	نهاده‌ها	رسانه‌ها	تعامل	تقابل	خشی	منفی	مثبت
طیف لیکرت	طیف لیکرت	طیف لیکرت					

اجرای مرحله اول و دوم بیانگر کل فرایند امنیتی‌سازی یا غیر امنیتی‌سازی یک مسئله است. به عنوان نمونه انتشار گزارش در یک رسانه غیر رسمی مبنی بر شیوع یک بیماری خطرناک و واگیردار در تهران به عنوان یک مسئله رصد می‌شود. پاره‌گفتاره «بحران زیست محیطی و انتشار بیماری» در امنیت اجتماعی تهران تأثیر دارد، این تأثیر منفی است و پاره‌گفتاره کارکردی است و انشایی نیست. در این مرحله مورد تجزیه و تحلیل و تقاطع‌گیری با دیگر قراین از جمله تأیید یا تکذیب وزارت بهداشت، سازمان امداد و نجات و یا دیگر نهادهای مربوط قرار می‌گیرد. اگر تشخیص داده شد که این پاره‌گفتاره نابجاست،

مخاطبان آن محدود در نظر گرفته می‌شود و برای آن مخاطبان بسته اقناعی خاصی تدارک دیده می‌شود. از جمله اطلاع‌رسانی متقابل و بدون تشدید حساسیت و دیگر اقدامات متصور. به این ترتیب این مسئله غیرامنیتی می‌شود و از فرایند امنیتی شدن و بسیج منابع برای آن خارج می‌گردد.

نمونه دیگر دریافت خبری مبنی بر تلاش یک تیم تروریستی برای بمب‌گذاری در تهران و در میان انبوه جمعیت است و مشابه فرایند بالا مرور می‌شود. یک پاره‌گفتاره بحران امنیتی که در امنیت عمومی تهران تأثیر دارد. تأثیر منفی است و پاره‌گفتاره انشایی دارد، زیرا به رویداد خاصی اشاره دارد. با تأیید شدن خبر پاره‌گفتاره به‌جا تلقی می‌شود و برای اقدام در اختیار بخش عملیات دستگاه امنیتی قرار می‌گیرد. در اینجا فرایند امنیتی‌سازی طی شد. اگر مرحله اول مورد تأیید و دستور اقدام قرار گرفت، وارد مرحله دوم می‌شویم که این تأثیرگذاری مثبت، منفی یا خنثی است. به‌عنوان مثال انجام یک بمب‌گذاری موجب وحشت سراسری و سلب اعتماد به دستگاه‌های امنیتی می‌شود و یا برعکس کارکرد انسجام‌گرا و افزایش حمایت و پشتیبانی از توسعه اقدامات دستگاه‌های امنیتی خواهد داشت. پاسخ بایستی در گروه نخبگان حاضر در نهادهای امنیتی تهیه و متناسب با آن، اقدامات متصور طراحی و اجرا شود. آیا با تقابل می‌شود این تهدید را مرتفع نمود و یا نوعی تعامل مورد نیاز است؟ در مورد گروه تروریستی، تقابل و در مورد یک بحران اجتماعی می‌تواند تعامل به‌عنوان اقدام پیشنهاد شود. در نهایت نیز درصد تحریک‌پذیری گروه‌های مرجع که شامل گروه‌های مختلف افکار عمومی، رسانه‌ها، نهادها و سازمان‌ها و مردم می‌شود بایستی تخمین زده شود و متناسب با هر وضعیت، شدت تحریک‌پذیری آن‌ها طراحی و اقدام شود.

اگر درصد تحریک‌پذیری طی فرایند کوتاه‌مدت یا میان‌مدت کاهش چشمگیری یابد می‌تواند مجدد وارد فرایند غیرامنیتی سازی شود که کمکی به حفظ منابع و آزادسازی ظرفیت‌های درگیر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در یک تعریف کلی می‌توان گفت که امنیتی ساختن به فرآیندی اطلاق می‌شود که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چهارچوب امنیت گردد و در یک دسته‌بندی کلی مشتمل بر: ۱- موضوعات غیرسیاسی (مسائلی که دولت با آن سروکار ندارد)، ۲- موضوعات سیاسی (منجر به تصمیم‌گیری و تخصیص منابع توسط دولت گردد)؛ ۳- موضوعات امنیتی است و شرط امنیتی شدن یک موضوع: اول اینکه گفتمان امنیتی‌ساز شامل بازیگران امنیتی‌ساز و بازیگران کارآمد؛ دوم اینکه شکستن قواعد و رویه‌های موجود می‌باشد. مکاتب امنیتی کپنهاگ و پاریس توضیحات مبسوطی در مورد امنیتی شدن و شرایط آن ارائه داده‌اند، اما مدل و فرایند کاملی را برای غیرامنیتی‌سازی پیشنهاد نکرده‌اند. این در حالی است که اگر تشخیص امنیتی بودن مسئله‌ای به صورت غلط صورت پذیرد، توان ملی و مدیریتی و منابع مالی به صورت کاریکاتوری و تورم‌گونه در بخشی جمع و خون‌رسانی به دیگر اندام جامعه مانند عمران، معیشت عمومی، تحصیلات، بهداشت و... کاهش می‌یابد؛ بنابراین مبتنی بر مدل ارائه‌شده باید سعی در بازگشت به وضعیت‌های قبلی و مهار موضوع نمود. مسئله امنیتی برابر با رویکرد و اقدامات ویژه در بخش‌های بودجه، ساختار و قوانین است که منجر به پیامد در سایر بخش‌ها می‌شود.

فرایند پیشنهادشده برای غیر امنیتی ساختن پدیده‌ها در بدو امر باید در دستور کار دستگاه‌هایی که مسئول تشخیص شرایط امنیتی تهران هستند قرار گیرد تا آسیب‌ها و اختصاص بی‌مورد هزینه، ساختار و قوانین، کاهش یابد. لذا بازیگر امنیتی‌ساز و مسئول تأمین امنیت با پرداختن به مسائلی که واقعاً امنیتی هستند می‌بایست مسائل غیر امنیتی را در بدو امر تمیز داده و جدا نماید. آنچه طی مصاحبه با خبرگان مشخص شد، تمایز زیادی در مرحله تشخیص میان مدیران نهادهای اجتماعی و نهادهای امنیتی در مرحله تشخیص مسئله وجود دارد که برای این منظور باید رویه مشخصی پیگیری شود تا خطای ادراک و مدیریت‌های دو/چندگانه صورت نگیرد. وجود نظام متمرکز دولتی، عوامل اقتصادی و اجتماعی، استقرار تشکیلات و نهادهای تصمیم‌گیرنده و مدیران ارشد در تهران نیز باعث

حساسیت ویژه‌ای برای این ابرشهر شده است. وجود این درجه از تمرکز، آسیب‌پذیری تهران را در مسائل «امنیتی‌شده» به دلایل مختلف شدت بخشیده و بروز و به فعلیت درآمدن تهدیدات در آن می‌تواند امنیت ملی را به مخاطره بیاندازد. لذا نقش مرجع تأمین‌کننده امنیت تهران بسیار مهم است و خطا در امنیتی‌سازی پدیده‌ای غیرامنیتی و دارای تبعات گسترده‌ای است. برای این کار نیز جدولی بر اساس کنش بیان آستین و ترکیب آن با فرایند امنیتی‌سازی تشریح‌شده در مکتب کپنهاگ، پیشنهاد گردید که می‌تواند کارساز باشد. طی این جدول رصد و دیدبانی مسائل با دقت بایستی مطابق پاره‌گفتاره‌ها و ارزش‌های امنیتی صورت گیرد و در مرحله دوم نیز با طی مراحل ثبت کنش امنیتی، میزان تأثیرگذاری پدیده‌ها مشخص شود تا در نتیجه آن اقدامات برای امنیتی‌سازی و یا غیرامنیتی‌سازی تعیین گردد.

فهرست منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بوزان، باری و ویوور، اولی، (۱۳۸۶)، چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: بی‌تام، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی و قریشی، (۱۳۹۱). نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۸، سال پانزدهم.
- رایبگتن، ارل؛ مارتین و اینبرگ، (۱۳۸۶)، رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ره‌پیک، سیامک، (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سرل، جان آر، (۱۳۸۷)، افعال گفتاری، ترجمه محمدعلی عبداللهی، چ ۲، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن، مطالعات راهبردی، شماره ۳۳.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۹)، نظریه‌های امنیت، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ماندل، رابرت، (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هاگ، پیتر، (۱۳۸۶)، روند تاریخی غیرامنیتی کردن پدیده‌های امنیتی، ترجمه محمدرضا خسروی، مجله نگرش راهبردی، شماره ۷۹ و ۸۰

ب. منابع انگلیسی

- Austin, John (1962). *How to Do Things with words*. Oxford University Press.
- Balzacq, Thierry (2009); "Constructivism and securitization studies" in Dunn Cavelti, Myriam, Mauer, Victor, eds., *Handbook of Security Studies*, London: Rutledge.
- Balzacq, Thierry (a). (2011); "A Theory of Securitization, Origins, Core Assumptions and Variants" in Thierry Balzacq, *Securitization Theory*, New York: Rutledge.
- Buzan, Barry, Ole Wæver (2009); "Macrosecritisation and security constellation: Reconsidering
- Buzan, Barry, Ole Wæver and Jaap de Wilde (1998) *Security: A New Framework for Analysis*, Boulder, CO: Lynne Rienner.

- Buzn, bary and Ole, waver (1997), slippery? Contradictory? Sociological untenable? The Copenhagen school replies?. review of international studies. Vol 3. No88
- Floyd, Rita (2010); Security and the Environment: Securitization Theory and US Environmental Security Policy, Cambridge: Cambridge University Press.
- Smith, steve (1996), positivism and beyond in international theory: positivism beyond. New york, Cambridge university press.
- Taureck, R. (2006). Securitisation Theory and Securitisation Studies. Journal of International Relations and Development, (9) University of Warwick institutional repository.
- Waever, Ole (1995); "Securitization and Desecuritization", in Lipschutz, Ronnie D., On Security, New York: Columbia University Press.
- Waver, Ole (2000) 'The EU as a Security Actor: Reflections from a Pessimistic Constructivist on Post Sovereign Security Orders', in Morten Kelstrup and Michael C. Williams, eds, International Relations Theory and the Politics of European Integration, 250–94, London: Routledge.
- Waever, Ole (2004); "Paris, Copenhagen New Schools in Security Theory and their Origins between Core and Periphery", Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association, Montreal, March 17-20.